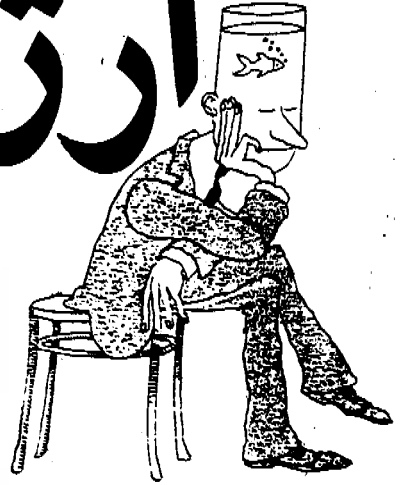


QUINTO

کینو، آرژانتین، کاریکاتور

سید مسعود شجاعی طباطبایی



■ اما موج اصلی طرح‌های طنزآمیز در میانه دهه ۱۹۳۰ در آرژانتین ظاهر شد. خوزه لوئیس سالیناس (jose luis salinas) هنرمند بزرگی بود که برای مجله «سوپر هومور» (Superhumor) طراحی می‌کرد. شیوه کار او را می‌توان بعدها در کارهای آلکس ریمنوند آمریکایی مشاهده کرد.

■ در واقع، موفقیت هنرمندان آرژانتینی در مطبوعات این کشور در دهه ۵۰ با ژناب جهانی یافت. زمینه‌های مساعد مالی تبلیغی در کشور آمریکا سبب شد که به تدریج موج مهاجرت هنرمندان برجسته آرژانتینی به این کشور آغاز شود. سالیناس در این باره می‌گوید: «من در ۱۹۴۹ به آمریکا آمدم، زیرا همیشه آرزو داشتم تا طرح‌هایی خلق کنم که در سراسر دنیا منتشر شود. در عین حال، می‌خواستم در کنار هنرمندان و استادان بزرگ این هنر کار کنم.

■ به این ترتیب سندیگام‌های غول‌پیکر آمریکایی به تدریج توانستند بیشتر هنرمندان آرژانتینی را به

■ زادگاه کینو، یعنی آرژانتین، را باید مهد هنر کاریکاتور نوین که پایه و اساس نوعی زبان بین‌المللی را فراهم ساخت، دانست. هنرمندان برجسته‌ای نظیر کالوا، فونقا ناروسا، وی یوتی، تا باره، گروند و ناوایت ومورد یلو با طرح‌های بدون شرحشان ثابت کرده‌اند که این زمینه هنری می‌تواند به عنوان نوعی زبان تصویری با همه مردم جهان ارتباط برقرار کند.

■ تاریخ پیدایش و گسترش کاریکاتور در آرژانتین باید با حمایت‌های سیاسی‌ای که از قهرمانان استقلال‌طلب آمریکای جنوبی صورت می‌گرفت مرتبط دانست. اولین نشریه‌ای که در این کشور از کاریکاتور به شکل کامل استفاده کرد «ال ماسکیتو» (EL Masquito) نام داشت. این نشریه در آغاز دهه آخر قرن نوزدهم با ارائه کاریکاتورهایی از شخصیت‌های سیاسی آرژانتین، به نقد و ارزیابی مسائل و رویدادهای کشورش پرداخت. کمی بعد، این نشریه خط مشی خود را تغییر داد و مطالب و تصاویرش را برای مخاطبان کودک منتشر ساخت. اما دیری نپایید که انتشار آن در ۱۸۹۱ متوقف شد.

■ در ۱۸۹۸، در آرژانتین مجله دیگری به نام «کاراس-وای-کارناس» (Carsa Y Carñas) که به معنی چهره‌ها و ماسک‌هاست، منتشر شد. با این مجله بود که اولین طرح‌های دنباله‌دار در آرژانتین به وجود آمد. طرح‌هایی که هم‌اکنون معرف کاریکاتور این کشور در جهان است. این طرح‌ها در آن زمان با استقبال شگفتی روبرو شد، به گونه‌ای که آقای ژرمن کاسرس (German Caceres)، منتقد مشهور آرژانتینی، می‌گوید، طرح‌هایی مطابق با ویژگی‌های مردم آرژانتین به وجود آمد: «صریح، کوتاه و مفید»!

■ در واقع، فکر اختصاص دادن چند صفحه به بررسی آثار کینو و توضیحاتی درباره کاریکاتور در آرژانتین از آنجا آغاز شد که آقای فرج موسی، رئیس مرکز اختراعات و ابداعات سوئیس، دوچلد کتاب از آثار این هنرمند را به پاس همکاری کوچکی که با ایشان داشتیم، برایمان ارسال کرد.

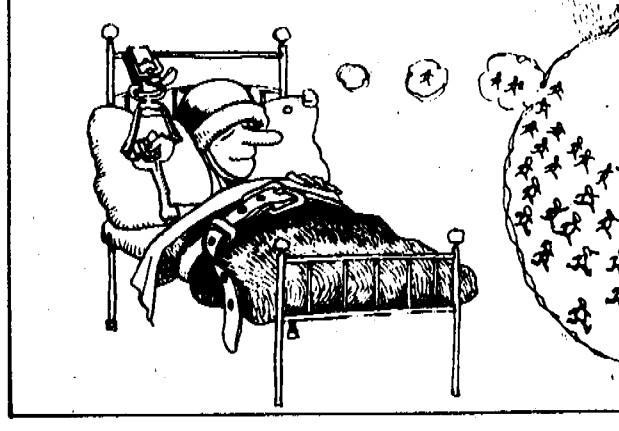
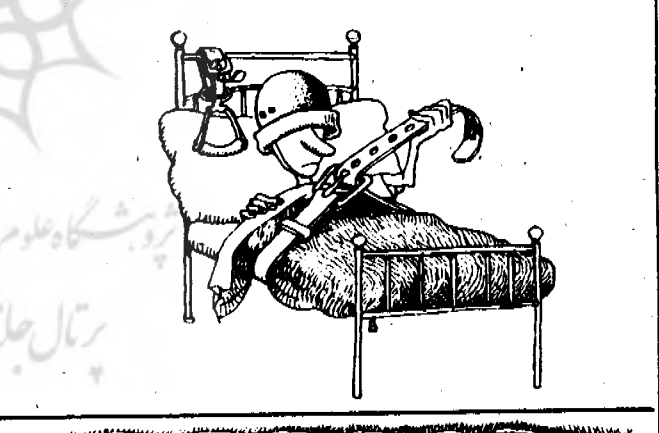
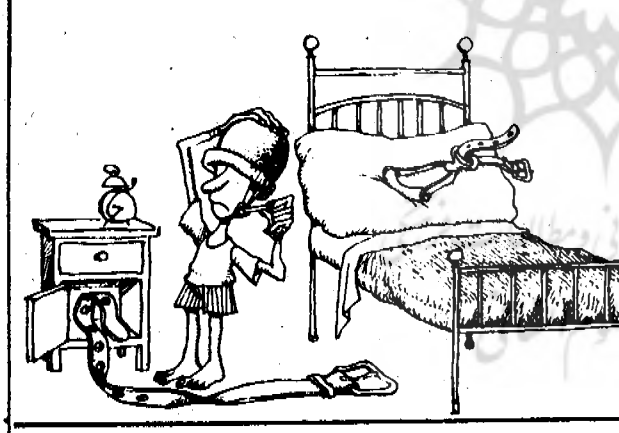
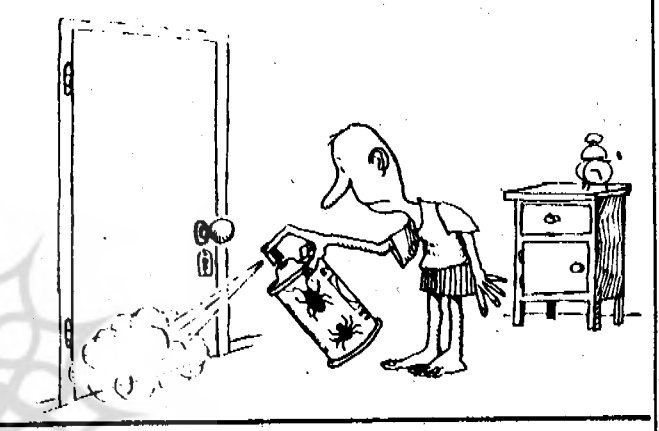
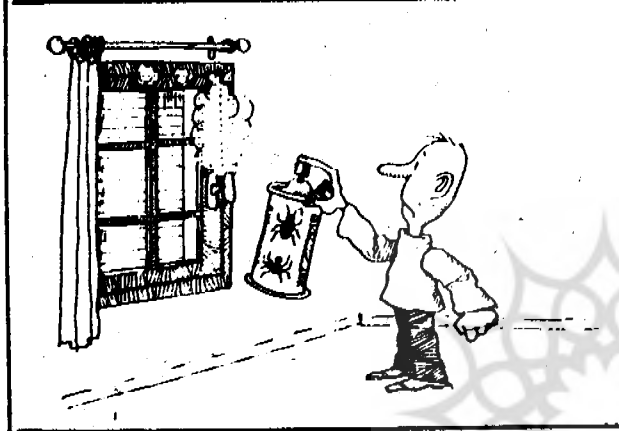
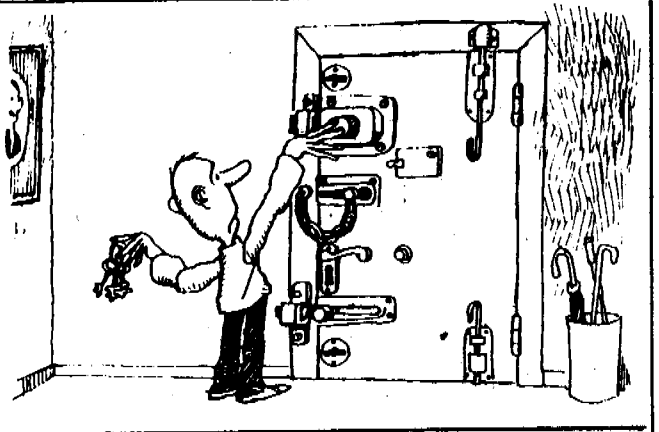
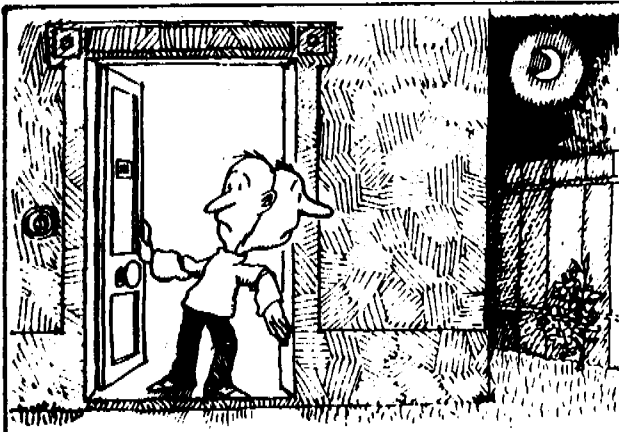
■ کتاب اول با عنوان «راختم بگذار تا تصور کنم» (Laissez-moi Imaginer) اختصاص به گزیده‌ای از کارهای کینو به شکل تک کادر و دنباله‌دار دارد. در این مجموعه، بیشتر شاهد تخیلات غیر معقول کینو نسبت به وقایع اطرافش هستیم. پوستر وسط شماره پشین مجله نیز از همین مجموعه انتخاب شده بود.

■ کینو در کتاب دوم با عنوان «گاف‌های عشق» (Les gaffes de cupidon) یا به معنای دقیق‌تر «گاف‌های رب النوع عشق» تقریباً به غالب اتفاق‌های طنز آمیزی که قبل، در حین و بعد از ازدواج امکان دارد برای دو زوج پیش بیاید، پرداخته است.

چنانکه معمول مقالات از این دست است؛ در اینجا به معرفی هنرمند و پیشینه این هنر در کشورش و بحث در مورد آثار وی می‌پردازیم.

■ برای همه علاقه‌مندان به هنر کاریکاتور، نام «کینو» کاملاً شناخته شده است، اما برای علاقه‌مندانسی که مایل‌اند کمی دقیق‌تر با این هنرمند آشنا شوند، باید گفت نام اصلی او جوآکین لاوآدو (Joaquin Lavado) است. در واقع «کینو» نام هنری اوست و آثارش در همه جای دنیا با این نام شناخته می‌شود.





سوی خود جلب کنند. سندیکای «کینگ فوتور» (King Feature) برای طراحی کاریکاتورهای دنباله‌دار سیسکوکید (Ciscokid) قرارداد نامحدودی را با طراحی بست. این داستان مصور به طور مرتب هر هفته در نشریات پرتیراژی در آمریکا عرضه می‌شد.

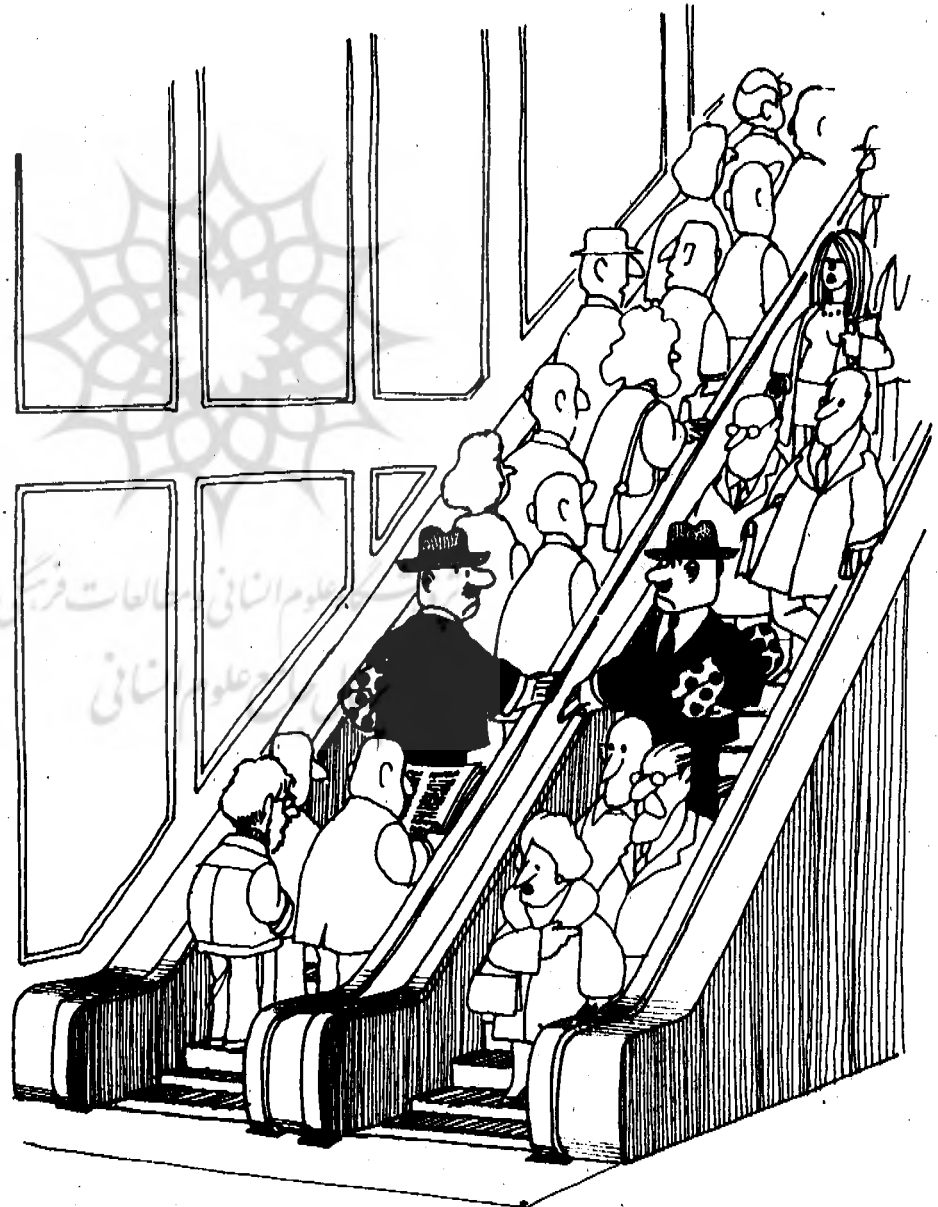
■ اوسکی این واقعیت تلخ را که زمینه مهاجرت عده زیادی از مردم و هنرمندان کاریکاتوریست آرژانتینی را به آمریکا فراهم کرده بود، در کاریکاتورهای دنباله‌داری بسا نام «ایندیز و کامنتاریوالاس» (Indis and Comen-tarioalas) مطرح کرده است.

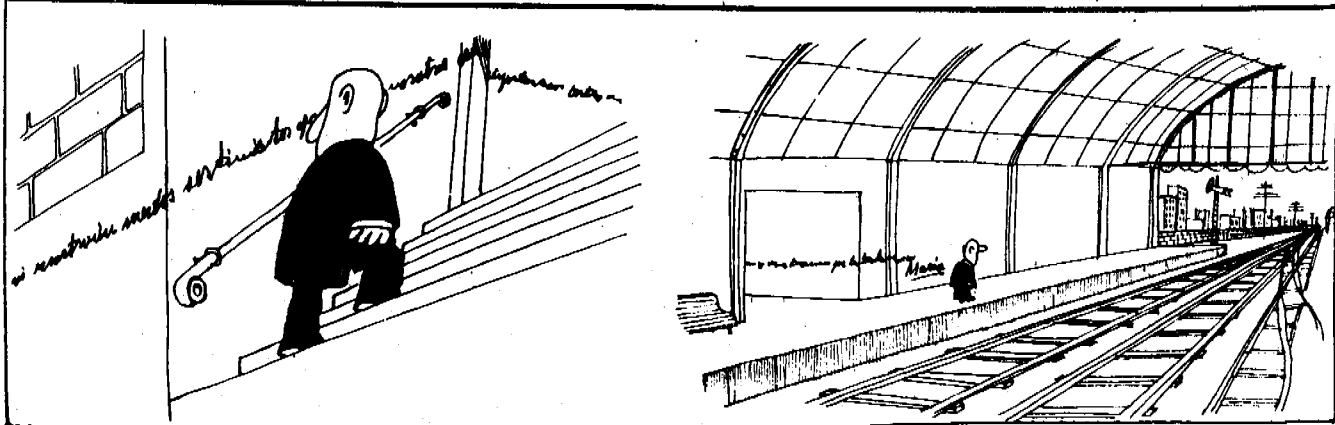
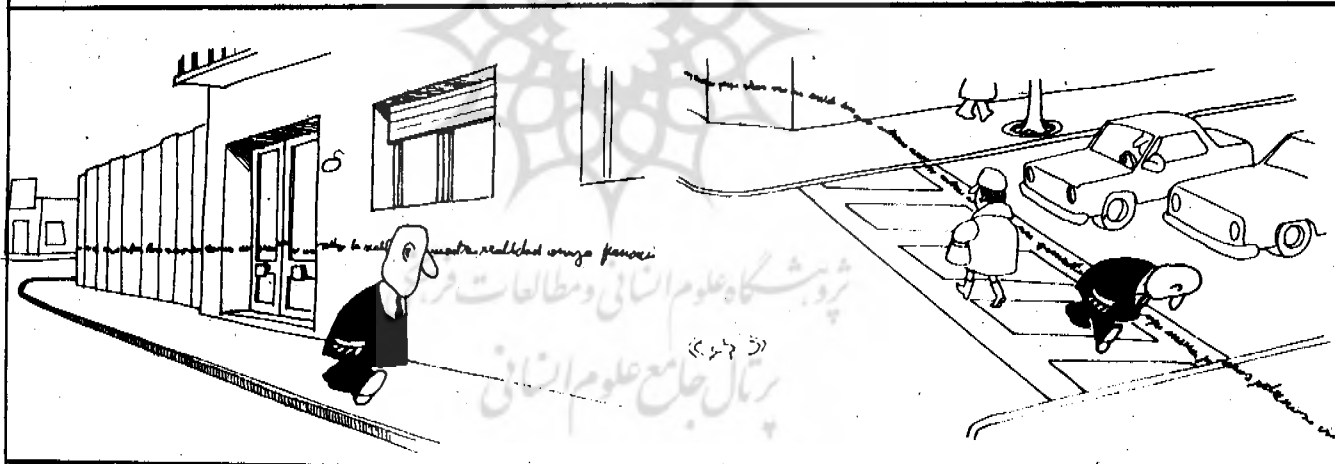
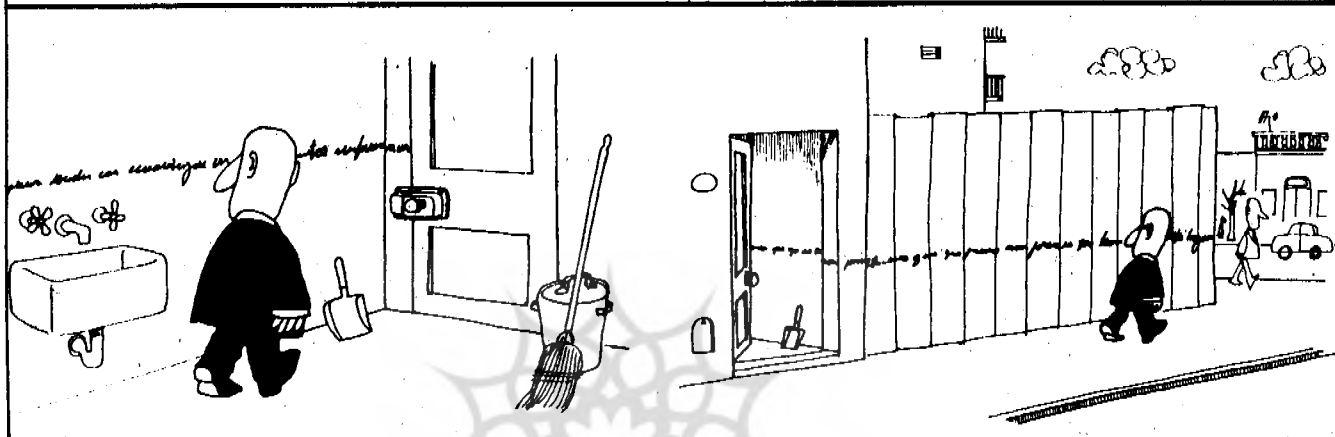
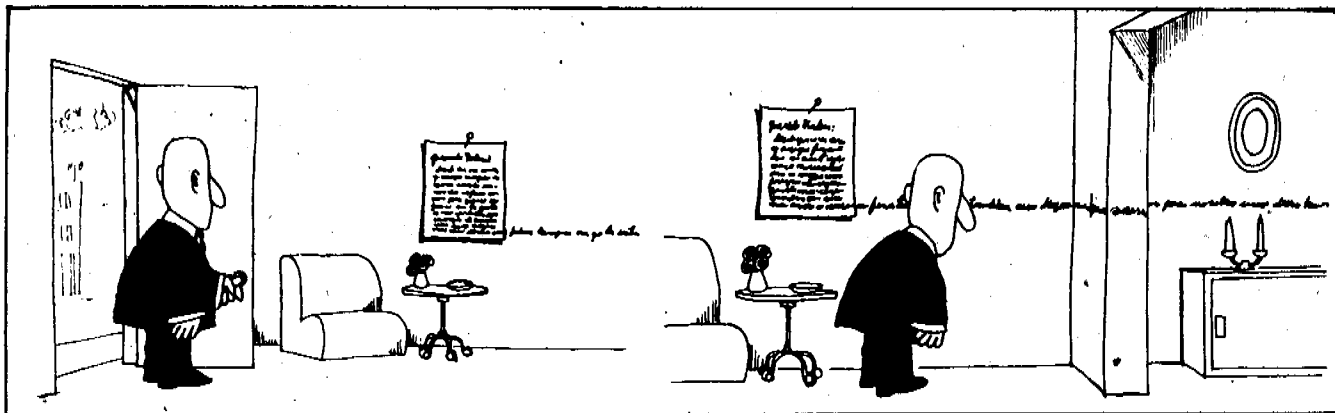
■ هنر کاریکاتور در آرژانتین در دهه ۵۰ به اوج خود می‌رسد، آن چنان که از این دوران به عنوان عصر طلایی کاریکاتور آرژانتین یاد می‌شود. در این دهه، کیفیت و کمیت تولید به شکل مناسبی در این کشور بالا می‌رود و سالانه به طور متوسط طرح‌های طنزآمیز (غالباً دنباله‌دار) در ۱۶۵ میلیون نسخه به چاپ می‌رسد. (رقمی برابر با ۵۰٪ همه مطالب خواندنی در آرژانتین!) بنابراین بی‌دلیل نیست که از میان این خیل کثیر علاقه‌مند به هنر کاریکاتور هنرمندان برجسته‌ای چون کینو، تا باره و موریلو سر بر آورند!

■ در آرژانتین، بر خلاف اروپا و آمریکا، کاریکاتور ابتدا در مجلات گسترش یافت و سپس به روزنامه‌ها کشید. اگر چه پس از آغاز دهه ۶۰، این مجلات به تدریج بازارشان را از دست دادند. یکی از دلایل این امر استفاده عمومی از وسایل ارتباط جمعی مانند تلویزیون بود. در این دهه، تیراژ نشریات به طور محسوسی سال به سال کمتر شد. کاهش کمیت، پائین آمدن کیفیت را نیز به همراه داشت و این هر دو بحران موجود را عمیق‌تر کرد. این مسئله سبب شد تا این زمینه هنری در روزنامه‌ها شکل تازه‌ای به خود بگیرد. به طور مثال، روزنامه «کلارین» (Clarín) پایه‌گذار یک صفحه کامل اختصاصی به کاریکاتور بود که بعدها در اغلب نشریات دنیا رایج شد.

■ در دهه ۷۰، هنرمندان بزرگ عالم کاریکاتور در آرژانتین ظهور یافتند که کینو از آن جمله بود. اما قبل از اینکه به کینو بپردازیم، باید از هنرمند برجسته‌ای به نام هکتور ژرمن اوسترهلد نام ببریم، کسی که متأسفانه در وقایع ۱۹۷۷ در لیست مفقود شدگان آرژانتین قرار گرفت. او در واقع یکی از بهترین آفرینندگان کاریکاتورهای دنباله‌دار به شمار می‌آید. به اعتقاد او «استریپ یکی از مهمترین شاخه‌های هنر معاصر دنیا است. زیرا هنر موقعی دارای اهمیت است که مخاطبان بیشتری داشته باشد.»^۳

■ به هر حال، هکتور در آرژانتین به شخصیتی افسانه‌ای بدل شد که شهرتش بیشتر به دلیل عشق به هموعانش بود. در این زمان، در آرژانتین یکی از مهم‌ترین طرح‌های طنزآمیز به نام «مافالد» (Mafalda) توسط کینو خلق شد. مافالدا دختر کوچکی بود که خیلی زود عصبانی می‌شد و نسبت به واقعیت‌های تلخ جامعه‌اش واکنش نشان می‌داد. او خواستار خردسال ماندن خود بود. می‌خواست دختر کوچولویی باقی بماند تا مسئول دنیایی نباشد که به وسیله والدین به ویرانه‌ای تبدیل شده است. این طرح‌ها زمینه‌ای را فراهم کرد تا کینو «مافالد» را به صورت مجموعه‌ای منظم به شکل کتاب ارائه دهد. این داستان‌ها آنچنان تأثیری در جامعه بر جای





گذاشت که امبرتو اکو (Umberto Eco)، نویسنده نامدار آرژانتینی، در مورد این داستانتان می‌گوید: «بچه‌های ما به همان شکلی که مافالدا سسوالانش را طرح می‌کند، سوال می‌کنند.»^۲

■ کینویا ساخته شدن فیلمی از مافالدا، طراحی آن را در ژوئن سال ۱۹۷۲ به پایان رساند. او در این باره می‌گوید: «ایده‌های من هر روز کم و کمتر می‌شوند، من تمام روز را کار می‌کنم و اگر دسقاوردی داشته باشم به دلیل مداومت در کار است. امیدوارم فیلم «مافالدا» به اندازه‌ای برایم پول به همراه بیاورد که بتوانم برای همیشه با آن خداحافظی کنم. خوش‌ترین روزهای زندگی‌ام، روزهایی بوده‌اند که مجبور نبودم مافالدا را بکشم.»

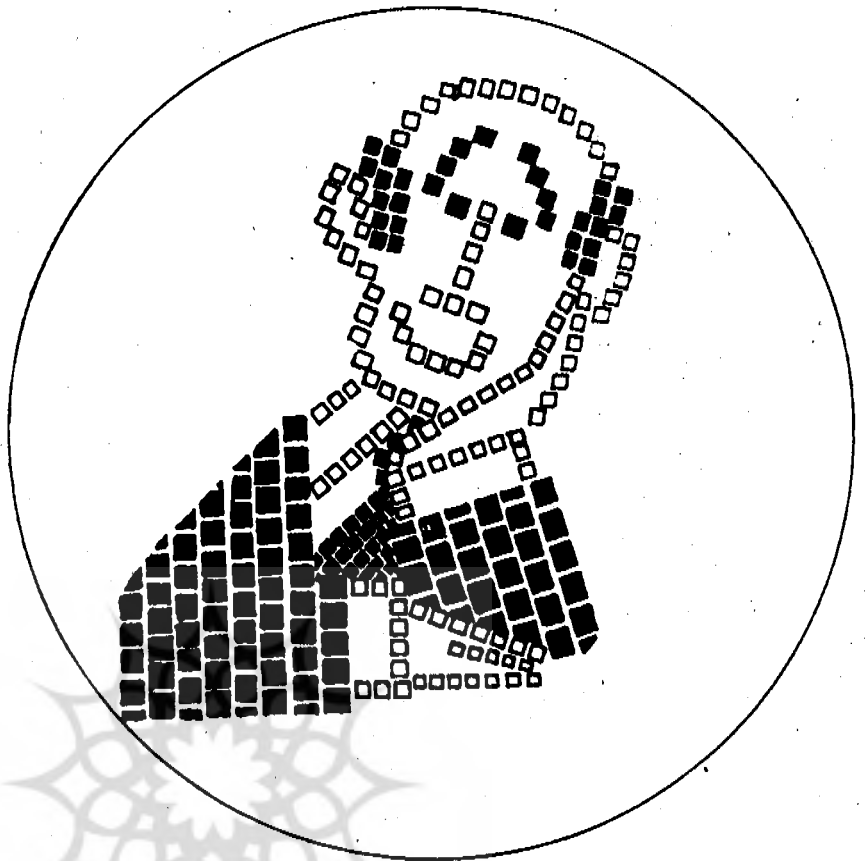
■ کتاب‌های «مافالدا» تقریباً در همه جای جهان پخش شده است. در واقع، کینو امروزه به عنوان هنرمند طنزپرداز ی شناخته شده که آثارش دنیا را به تسخیر در آورده است. امیدوارم زمینه‌ای فراهم شود تا با چاپ کتاب‌هایی از آثار این هنرمند در کشورمان، علاقه‌مندان به هنر کاریکاتور در این لذت جهانی سهیم شوند.

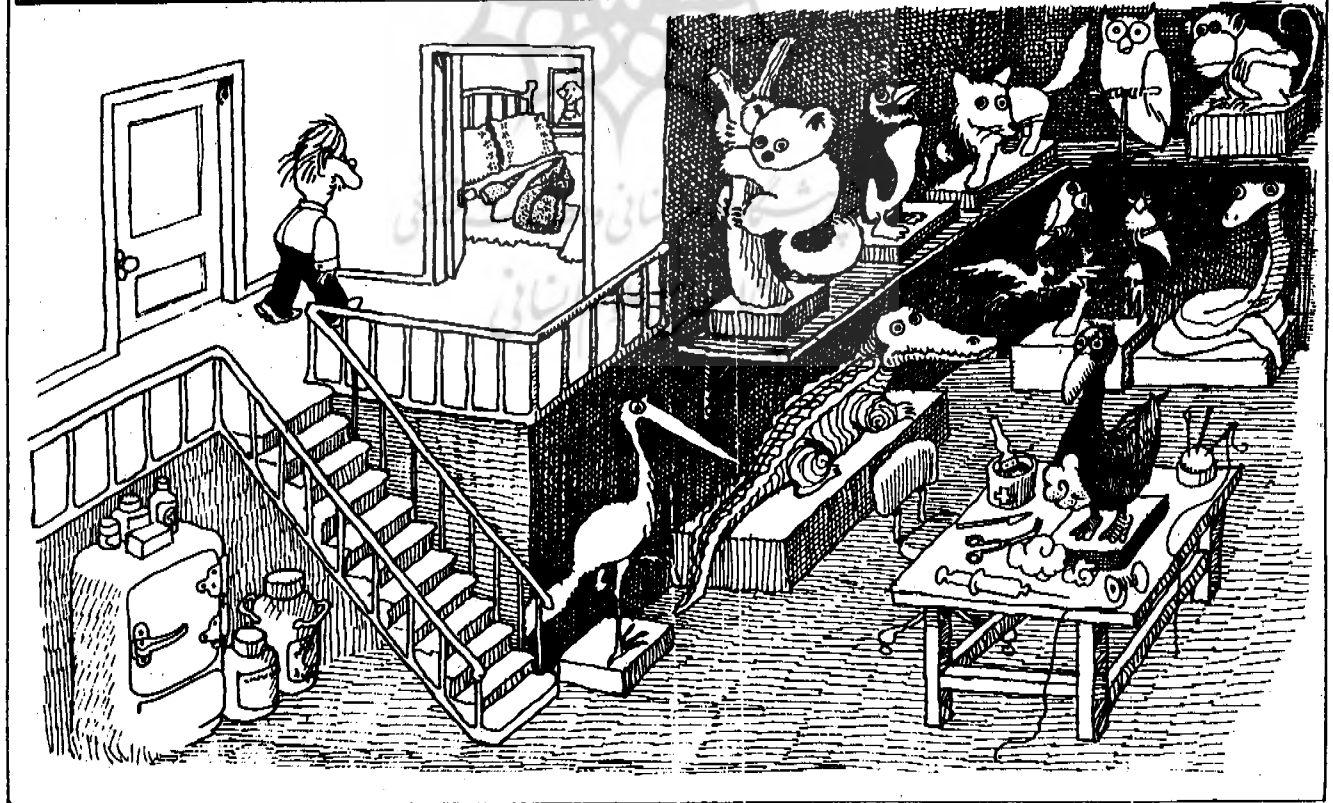
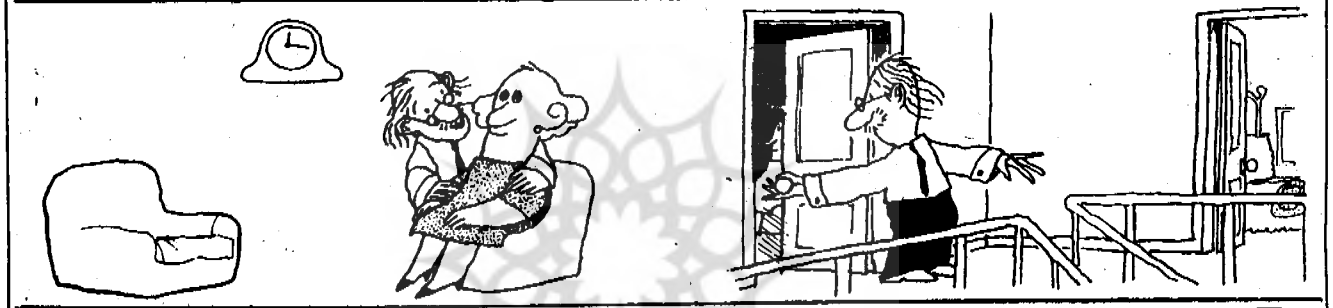
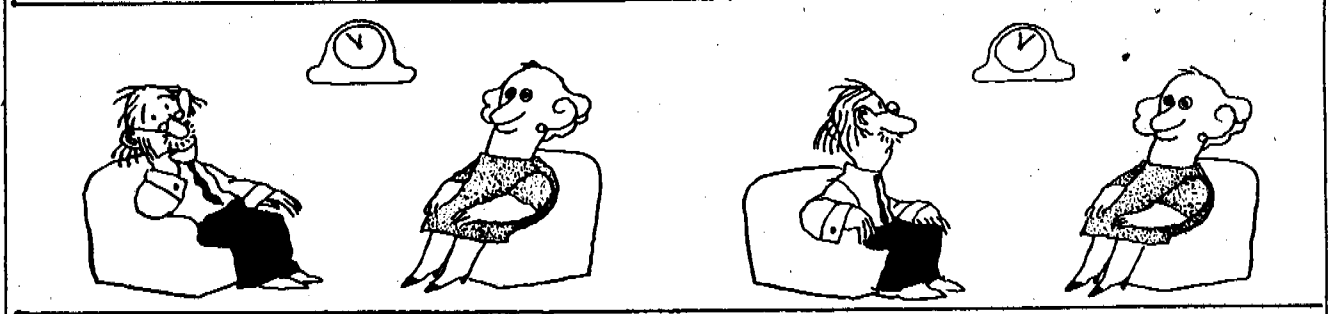
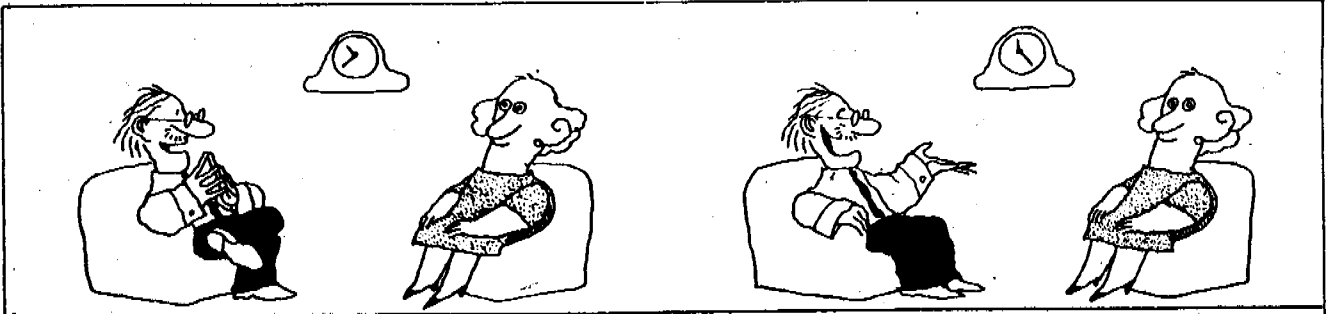
■ در باره کینو باید گفت او تکنیک را می‌شناسد، موضوع را خوب حل‌جسی می‌کند، با زبان سینما آشناست و همیشه در اوج تخیل و خلاقیت بسر می‌برد. آنطور که از خصوصیات اخلاقی او نقل می‌کنند، بسیار درونگرا و کم حرف است و از ظاهر شدن در جمع می‌هراسد. جالب است بدانید به دنبال تصمیمی که بر موزه هنرهای معاصر ایران در مورد انتخاب کینو به عنوان عضو هیئت داوری دو سالانه سوم کاریکاتور تهران گرفته شد، تلاش کردیم از طریق سندیکای ایتالیایی که امتیاز نشر آثار او را در دنیا به عهده دارد (و در واقع تنها وسیله ارتباطی با کینو نیز هست) از وی دعوت کنیم. اما متوجه شدیم کینو دعوت از هیچ جشنواره، گردهمایی و یا هر چیز دیگری از این دست را نمی‌پذیرد و همواره مایل است به دور از هر جبار و جنجالی به طراحی کاریکاتورهایش بپردازد.

■ در این شماره، تلاش کرده‌ایم تا آنجایی که امکان‌پذیر است: طرح‌هایی از این هنرمند نامی را از میان دو مجموعه اخیرش انتخاب و ارائه کنیم. در اینجا به بررسی و شرح برخی از این طرح‌ها می‌پردازیم.

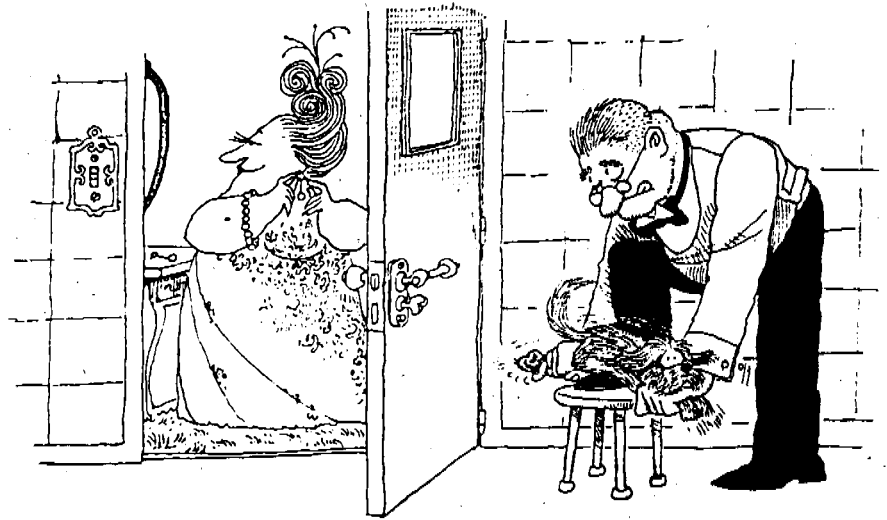
■ بر حرفی بعضی از خانم‌ها زمینه ارائه یک داستان دنباله‌دار را برای کینو فراهم کرده است. آقای خانه به منزل می‌رسد، پیغام خانم خانه را که از روی کاغذ به روی دیوارهای خانه ادامه پیدا کرده است، دنبال می‌کند. طول این پیغام تنها به دیوارهای خانه محدود نمی‌شود و دامنه آن به دیوارهای کوچه و خیابان نیز می‌گشود. سرانجام در ایستگاه مترو با امضای «ماریا» پیغام به پایان می‌رسد و چهره بهت‌زده در کادر آخر زیبایی کار کینو را دو چندان می‌کند. نکته قابل ملاحظه در این تصاویر، انتخاب زوایای دید متناسب با شکل هر نماست. در واقع، زوایای دید متغیر به کمک هنرمند می‌آید تا او موقعیت و فضای داستان را به خوبی نشانسد. در عین حال، استفاده بجا از برخی جزئیات ضروری در نمایش موقعیت‌ها توان هنرمند را در انتقال کامل داستان به مخاطب بالا می‌برد.

■ در طرحی دیگر که باز اشاره‌ای به موضوع قبل دارد، خوشبختی مردی را شاهدیم که بدون اینکه





نگران قطع صحبت و احیانا انتقاد و برحرفی خانمش باشند، ساعتها صحبت می‌کنند و بسا احساس متقاعد شدن همسرش به سمت اطاق خوابش می‌رود. ولی درکار آخر راز قضیه برملا می‌شود. وجود حیوانات تاکسیدرمی شده درخانه و آلات و ادوات روی میز نشان از حرفه مرد دارد و بلافاصله برای بیننده این سوال را پیش می‌آورد که: «تکند خانم خاتمه نیز به صورت تاکسیدرمی بوده است؟»



■ با نگاهی دقیق به آثار کینو، می‌توان به احساسات درونی او پی برد. درآثار او، رویدادها خیلی صریح و ساده رخ می‌دهند و به دنبال هر تصویر مطمئناً لیخندی هم برلب بیننده می‌نشیند. اما احساس نهایی‌ای که از مشاهده آثار او دست می‌دهد، آمیخته به نوعی تلخکامی است. نگاه کینو برخلاف دیگر هموطنش، موردیلو، آغشته به طنزی تلخ است که حاصل آن ایجاد دلهره و بیم از کابوس‌های واقعی عصر معاصر دردل بیننده می‌باشد.

■ در طرحی دیگر، مردی را می‌بینیم که در رختخواب در حال خواندن کتابی از شرلوك هولمز یا شخصیتی شبیه به آن است. خیلی ساده از محتوای کتاب به این نتیجه می‌رسیم که هولمز در تعقیب آثار انگشت به داخل آب انباری سقوط کرده است که از دریچه‌ای آب به داخل آن جریان دارد، آبی که سرانجام سبب خفگی و مرگ او خواهد شد. در انتها با بسته شدن شیر آب توسط مردی که کتاب را مطالعه می‌کند،

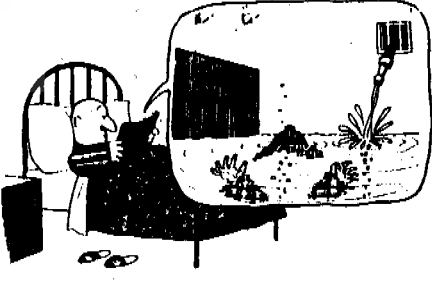
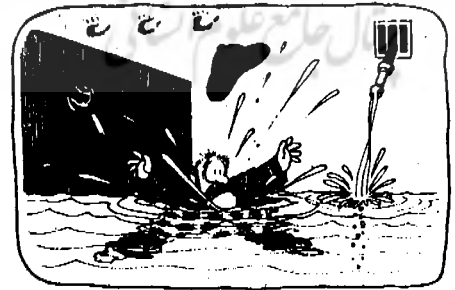


چنانکه می‌بینید کینو با ویژگی خاصی مخاطب را دچار توهم و سردرگمی کرده می‌کند.

■ مردی به روی زمین افتاده است. و عده‌ای به دور او جمع شده‌اند. ترمز آمبولانس و اثر خطر سیر زیگزاگ وار آن حکایت از وضعیت اورژانسی واقعه دارد. راننده آمبولانس با شتاب به طرف مرد می‌رود و پارچه‌ای را که در دست دارد، به روی او می‌کشد، سپس نگاهی به ساعتش انداخته، کمی بعد همچون شعبده بازهای حرفه‌ای پارچه را از روی مرد کنار می‌کشد. به این ترتیب از زیر پارچه تعدادی پرنده نمایان می‌شود که کف زدن‌های حاضران و متفرق شدنشان را در قلاب آخر به همراه دارد.



کینو موقعیتی شگفت و طنز آمیز را که تنها به دست او قابل ارائه است؛ در این اثر رقم زده است. مردم در اینجا، در واقع نقش آدم‌هایی را ایفا می‌کنند که همواره به دنبال نوعی تفریحی و سرگمی اند. این اتفاق یعنی حضور آدمی مدهوش بر روی زمین برای کسانی که به دور او جمع شده‌اند کافی نیست. آنها ظالمانه به موقعیت جالب‌تری می‌اندیشند. آیا ما هم پس از دیدن طرح‌های طنز آمیز کینو به دنبال همچون موقعیتی هستیم؟



- 1- German Caceras, Trends of Argentine comics witty world, U.S.A. summer 1988, no 4, p, 20
- 2- 1dem, witty world, U.S.A. summer 1988 no 4 p, 20
- 3- 1dem, witty world, U.S.A. summer 1988 no. 4, p.22
- 4- 1dem, witty world, U.S.A. summer 1988, no 4. p.22

